

شهید نواب صفوی؛ نفر سوم نهضت ملی شدن صنعت نفت

به مناسبت سالروز شهادت بنیان گذار جمعیت فدائیان اسلام و یارانش، دکتر مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر در گفت و گو با خراسان
ناشنیده‌هایی از نقش شهید نواب صفوی در صیانت از آرای مردم، راهیابی دکتر مصدق به مجلس و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت مطرح کرد



دقایقی پیش از شهادت و در حال تکبیر گفتن



سحرگاه روز ۲۷ دی ۱۳۳۴؛ شهید نواب صفوی را به سوی محل تیرباران می‌برند



آذر ۱۳۳۴؛ شهید نواب صفوی (پس از بازداشت) در محاصره مأموران رژیم شاه



سال ۱۳۳۴؛ سفر شهید نواب صفوی به مصر. این تصویری از دیدار او با جمال عبدالناصر و تعدادی از اعضای گروه افسران آزاد مصر است. شهید نواب صفوی کوشید تا میان اخوان المسلمین و جریان افسران آزاد آشتی برقرار کند، اما این تلاش ناکام ماند



در کنار استاد خلیل طهماسبی؛ مجری اعدام انقلابی رژیم‌آرا

برخی از تاریخ‌نگاران دوران معاصر که همیشه از درپچه آموزه‌های غربی به مقوله‌های تاریخی می‌نگرند، نبوده‌به‌همین دلیل، بخش مهمی از فعالیت‌های تأثیر گذار وی و یارانش در جمعیت فدائیان اسلام، همیشه کم‌رنگ یا نادیده گرفته شده است. در سالروز شهادت مظلومانه او، در گفت و گویی با دکتر مسعود رضایی، به بررسی ویژگی‌های شخصیتی شهید نواب صفوی و تأثیر وی بر تحولات تاریخ معاصر ایران، قبل و بعد از شهادتش در ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۳۴، پرداختیم. دکتر رضایی، شهید نواب صفوی را پس از آیت‌ا... کاشانی و دکتر مصدق، سومین شخصیت ملی شدن صنعت نفت می‌داندو معتقد است که اگر اقدامات قاطع و به‌موقع وی و یارانش نبود، احتمال پیروزی نهضت بسیار ضعیف می‌شد. آن‌چه در پی می‌آید، مشروح این مصاحبه تفصیلی است.

۶۶

اقدام فدائیان اسلام در اعدام انقلابی رژیم‌آرا، باز هم گریه را باز کرد که به کار فرایند ملی شدن صنعت نفت افتاده‌بود؛ مخالفان کاملاً عقب‌نشستندو در نهایت، کار تصویب و توشیح قانون مربوط به آن، با قاطعیت به انجام رسیدو ملت، در این نبرد سخت پیروز شد. می‌توان گفت که اگر فدائیان اسلام نبودندو مدیریت و تصمیم‌گیری قاطعانه شهید نواب صفوی نبود، احتمال این که نهضت ملی شدن صنعت نفت به سر انجام برسد، خیلی کم می‌شد

کردند، اما نتیجه‌ای حاصل نشد. شاه از موضع خود کوتاه نیامدو هژیر همچنان به فعالیت‌هایش ادامه می‌داد و مجلس با تقلبی که صورت گرفت، همچنان در دست وابستگان به سفارت انگلیس، باقی ماند. ورود شهید نواب صفوی و یارانش به این جریان، با دخالت در بار در انتخابات آغاز شد؛ او و یارانش بودند که این مسئله را افشا کردند و باعث شدند مصدق و همراهانش تصمیم به تحصن بگیرند. فدائیان اسلام هنگام انتخابات، سر صندوق‌های رأی حاضر بودند و اطلاع‌رسانی مربوط به دخالت‌های دربار، توسط آن‌ها انجام شد. اما وقتی متحسان نتوانستند به نتیجه برسند، نیاز به یک تصمیم قاطع برای جمع کردن ماجرا بود و اعدام انقلابی عبدالحسین هژیر توسط فدائیان اسلام، گره کور این مسئله را باز کرد. بر خلاف ادعای برخی که آگاهانه یا ناآگاهانه موضوع ورود فدائیان اسلام به جریان اعدام انقلابی هژیر را، تصمیمی سریع و بدون فکر می‌دانند، شهید نواب صفوی و یارانش، فی‌البداهه به انجام این اقدام دست نزدند. آن‌ها منتظر ماندند که شاید مذاکرات و تحصن دکتر مصدق و جمع همراه او در دربار، نتیجه‌ای بدهد؛ اما وقتی نتیجه‌ای حاصل نشد و ورود فدائیان اسلام به معر که دفاع از استقلال ایران اسلامی ضرورت پیدا کرد، شهید نواب صفوی در نگ نکر دو قاطعانه وارد این معر که شد و کار را اتمام کرد. نتیجه این اقدام، ورود نمایندگان منتخب، از جمله خود دکتر مصدق به مجلس شورای ملی بود که پس از این، توانستند فعالیت‌های خودشان را با هدف ملی شدن صنعت نفت، سازمان دهی کنند.

در جریان نخست‌وزیری رژیم‌آرا هم چنین رویکردی را از شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام شاهد هستیم.

همین‌طور است؛ اگر هژیر را سد نخست در برابر نهضت ملی شدن صنعت نفت و حفظ استقلال ایران بدانیم، رژیم‌آرا قطعاً سد دوم را تشکیل می‌داد. او یک نظامی مقتدر بود و روی کار آمدنش پیامی قاطع برای طرفداران ملی شدن صنعت نفت به حساب می‌آمد؛ رژیم‌آرا آمده بود تا جلوی این جریان را بگیرد. اقدام فدائیان اسلام در اعدام انقلابی رژیم‌آرا، باز هم گریه را باز کرد که به کار فرایند ملی شدن صنعت نفت افتاده‌بود؛ مخالفان کاملاً عقب‌نشستند و در نهایت، کار تصویب و توشیح قانون مربوط به آن، با قاطعیت به انجام رسیدو ملت، در این نبرد سخت پیروز شد. می‌توان گفت که اگر فدائیان اسلام نبودندو مدیریت و تصمیم‌گیری قاطعانه شهید نواب صفوی نبود، احتمال این که نهضت ملی شدن صنعت نفت به سر انجام برسد، خیلی کم می‌شد.

به نظر شما، فعالیت‌های تشکیلاتی و سازمانی شهید نواب صفوی، پس از شهادت وی، چه تأثیری بر فعالیت جریان‌های سازمان دهی شده معتقد به مبانی اسلامی داشت؟

بسیاری از کسانی که بعدها دست به تأسیس تشکیلات و سازمان‌های معتقدو ملتزم به آموزه‌های اسلامی، برای مبارزه با رژیم پهلوی زدند، مانند هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، عملاً از اعضای قدیمی فدائیان اسلام بودند. بدیهی است که در چنین حالتی، آن‌ها هم در نظر و هم در عمل، تحت تأثیر اقدامات، تشکیلات و سازمان دهی شهید نواب صفوی در جمعیت فدائیان اسلام بوده‌باشند.

بسیاری از کسانی که حتی نتوانستند به صورت رسمی در این تشکیلات فعالیت کنند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند؛ از جمله این افراد، آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای بودند که در کوران مبارزات نواب صفوی، ایام نوجوانی و جوانی را سپری می‌کردند. ایشان در بیانات هفتم اردیبهشت سال ۱۳۷۷، در دیدار جمعی از جوانان، به این موضوع اشاره می‌کنند و می‌گویند: «آن کسی که در دوره جوانی من خیلی روی من اثر گذاشت، در درجه اول، مرحوم نواب صفوی بود. آن زمانی که ایشان به مشهد آمد، حدوداً پانزده سالم بود. من به شدت تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفتم و بعد هم که از مشهد رفت، به فاصله چند ماه بعد، با وضع خیلی بدی شهیدش کردند. این هم تأثیر او را در ما بیشتر عمیق کرد.» شهید نواب صفوی، به دلیل ساختار فکری و توجه‌اش به اصالت اسلامی، فرد محبوب

نمی‌توان احکام اسلامی را در جامعه پیاده کرد؛ ضمن این که وی معتقد بود ورود نکردن به این عرصه، می‌تواند فشار ابرای فعالیت جریان‌ها و کسانی که به دنبال زدن ریشه اسلام در ایران هستند، مهیا کند.

منظور شهید نواب صفوی چه جریان‌هایی بود؟
منظور جریان‌هایی مانند فراماسونری بود که به ویژه بعد از روی کار آمدن رژیم پهلوی، با حمایت پیدا و پنهان انگلیس، فرایندی جدی را برای نابود کردن و دست کم، به حاشیه بردن آموزه‌های اسلامی در ایران، آغاز کرده بودند. در ک این قضیه، با توجه به اعمال و رفتار رضاشاه، کار پیچیده‌ای نبود و هر فردی که اندکی حساسیت داشت، می‌توانست تحرکات این جریان را به خوبی حس کند و شهید نواب صفوی، با آن حساسیت بالا، هم جزئیات این جریان را در ک کرد و هم برای تقابل با آن، دست به تأسیس جمعیت فدائیان اسلام زد و فعالیت‌های خودش را در حوزه نظری و عملی، بر این تقابل متمرکز کرد.

چرا او دست به تشکیل جمعیت و فعالیت گروهی زد؟ ضرورت این کار چه بوده است؟

ایجاد تشکیلات در آن دوره، یک ضرورت بود. این‌طور نبود که فقط نواب صفوی دست به تشکیل گروه و جمعیت زده باشد. قبل از او در حجم بسیار وسیع‌تری، جناح مخالف با اسلام و روشنفکران غرب‌گرا اقدام به تشکیل دهه‌ها حزب، گروه و جمعیت، برای سازمان دهی برنامه‌هایشان کرده بودند و هر چند متکثر، اما با هدفی واحد و با حمایت‌های گسترده خارجی، برنامه‌های خودشان را دنبال می‌کردند. در این شرایط، طبیعی بود که شهید نواب صفوی به سوی تشکیل یک جمعیت سازمان دهی شده بروند تا بتواند با آن جریان سازمان دهی شده مقابله کند و به جای شکل دادن به یک حرکت صرفاً فردی، جمعیتی از هم‌فکران را برای این مبارزه گسترده، گرد هم آورد.

آن چه در تاریخ فعالیت‌های شهید نواب صفوی و یارانش، معمولاً نادیده یا کم‌اهمیت گرفته می‌شود، نقش آن‌ها در جریان ملی شدن صنعت نفت است. شما این نقش را در چه سطح و اندازه‌ای می‌دانید؟

به نکته مهمی اشاره کردید؛ یکی از نقاط اوج فعالیت‌های نواب صفوی و فدائیان اسلام، حضور و نقش‌آ‌ها در جریان ملی شدن صنعت نفت است. خیلی وقت‌ها این نقش آن‌طور که باید و شاید، دیده نمی‌شود. آن‌چه در تاریخ می‌بینیم، رهبری و مدیریت فرایند پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت را، عمدتاً به اقدامات دور هیر مشهور این نهضت، یعنی آیت‌ا... سید ابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق محدود می‌کند که البته کسی منکر نقش مهم و مؤثر آن‌ها نیست. اما نباید فراموش کنیم که بخش بسیار مهمی از این موفقیت بزرگ، مدیون اقدامات فدائیان اسلام و مدیریت و تصمیمات قاطع شهید نواب صفوی است و از این لحاظ، می‌توان اورا سومین شخصیت نهضت ملی شدن صنعت نفت دانست. این نقش را هبردی، حتی قبل از آن که جبهه ملی تشکیل شود، وجود داشت و در واقع، این شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام بودند که با اقدامشان در جریان انتخابات مجلس شانزدهم، جریانی را که به نهضت ملی شدن صنعت نفت انجامید و آن پیروزی بزرگ را رقم زد، روی ریل موفقیت و پیشرفت قرار دادند.

منظور تان ماجرای دخالت دربار در انتخابات، رأی‌نیاوردن دکتر مصدق و اعدام انقلابی عبدالحسین هژیر است؟
دقیقاً؛ دربار با عاملیت هژیر در نتایج انتخابات دست بُرد تا دکتر مصدق و همکارانش به مجلس راه پیدا نکنند. و انکش آقایان به این رفتار، آن بود که به دربار بروند و متحصن شوند؛ چند روز ماندند، مذاکره و بحث

جواد نوائیان رودسری – امروز، ۲۷ دی‌ماه، سالروز شهادت سید مجتبی نواب صفوی و یارانش به دست رژیم پهلوی است. آن مرحوم، یکی از پیش‌تازان سازمان دهی جریان‌های مبارزاتی معتقد به اسلام و آموزه‌های آن بود. در واقع باید شهید نواب صفوی را، بنیان‌گذار رویکرد تشکیلاتی در میان مبارزان مسلمان، برای تقابل با گروه‌ها و جریان‌های پیدا و پنهانی بدانیم که کمر به زدودن فرهنگ و اندیشه اسلامی از جامعه ایرانی و همچنین، واگذاشتن سرمایه‌های مادی و معنوی به بیگانگان، بسته بودند. شهید نواب صفوی، با آن شخصیت کاریزماتیک و توانمندی فوق‌العاده سازمان دهی تشکیلاتی، توانست نیروهای پراکنده‌ای را که دل در گرو اسلام و اجرای کامل دستورهای آن در جامعه داشتند، متحد کند. ثمره این اتحاد، تنها تشکیل جمعیت فدائیان اسلام نبود؛

صحبت ما درباره شهید نواب صفوی و تأثیری است که او، بر جریان مبارزات ملت مسلمان ایران گذاشته. این تأثیرگذاری، بی‌شک ریشه در ویژگی‌های شخصیتی مرحوم نواب دارد. اگر ممکن است، برای شروع بحث، درباره این ویژگی‌ها نکاتی را بفرمایید.

نخستین ویژگی شهید نواب صفوی که در شخصیت او برجستگی خاصی دارد، حساسیت فراوان وی روی هویت اسلامی و مسائل مربوط به آن است. شهید نواب صفوی از کنار قضاییاتی که می‌توانست بر جایگاه اسلام در جامعه و فرهنگ اسلامی مستقر در آن تأثیر سوء بگذارد، بی تفاوت نمی‌گذشت. ما چه در زمان نواب و چه قبل از او، افرادی را داریم که مسلمان، عالم و روحانی هم هستند، اما هنگام هجوم دشمنان به هویت اسلامی، حساسیت لازم را برای تقابل با آن‌ها ندارند. شهید نواب صفوی این گونه نبوده‌هم آن حساسیت را داشت و هم این که گام‌های عملی برای مبارزه بر می‌داشت. از سوی دیگر، وی فردی باتوانایی سازمان دهی بالا بود؛ خیلی خوب برنامه‌ریزی می‌کرد و می‌توانست افراد را اگر دهم جمع و در یک مسیر هدایت کند. این ویژگی را هر کسی نذار دو ختلی‌ها از آن برخوردار نیستند. مرحوم نواب صفوی چه در رفتار و چه در گفتار، به گونه‌ای عمل می‌کرد که ضریب نفوذ این توانایی را افزایش می‌داد. ویژگی دیگر شهید نواب صفوی، حساسیت بالای او به مسائل سیاسی بود. آن مرحوم، از آن دست علما و روحانیونی نبود که فقط سر خودشان را با احوال شخصیه و احکام فردی گرم می‌کنند و معتقدند که اساساً نباید وارد سیاست شود و باید سیاست را به سیاستمداران سپرد. برخی از این افراد، وظیفه خودشان را به بیان مسائل و احکام شرعی، اقامه نماز جماعت و چنین اموری محدود می‌دانستند و کم‌نبودند کسانی که امور سیاسی را یک منطقه ممنوعه فرض می‌کردند و حتی توصیه‌شان به دیگران این بود که وارد چنین منطقه‌ای نشوند. شهید نواب صفوی این گونه نبود؛ او حوزه سیاست را بسیار مهم می‌دانست و اعتقاد داشت که بدون توجه به این حوزه، عملاً



شهید نواب صفوی در پیدادگاه شاه



در حال سخنرانی؛ یکی از جلسات جمعیت فدائیان اسلام در تهران